

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Study of the Conditions and Consequences of Flagrant Offenses in Iranian and American Law

Mohammad Saeli¹, Samira Golkhandan^{*2}, Akbar Rajabi³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran

2. Department of Criminal Law and Criminology, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran

* Corresponding Author's Email: S.golkhandan@iau.ir

ABSTRACT

The aim of this study is to conduct a comparative analysis of the conditions and consequences of flagrant offenses (caught-in-the-act crimes) in Iranian and American law using a descriptive-analytical method. The findings suggest that such a comparative approach can contribute to a better understanding of the strengths and weaknesses of each legal system and offer recommendations for improving domestic legislation. In Iranian law, a flagrant offense refers to a crime for which sufficient evidence of its commission exists either during the act or immediately afterward. Due to its obvious nature, this type of crime necessitates a more expedited investigation and prosecution process. A similar concept exists in American law, referred to as an "open" or "in-progress" crime. In the American legal system, law enforcement officers are authorized to arrest suspects without a judicial warrant, provided there is sufficient evidence of a crime having occurred. The main differences between the Iranian and American legal systems are observable in various aspects, including their approach to flagrant offenses, the authority granted to the police, and the conditions under which an arrest can be made without a warrant. In Iran, Islamic law and religious principles serve as the primary foundation for defining legal frameworks. These laws place significant emphasis on religious and Sharia-based concepts and may sometimes offer specific interpretations of what constitutes a flagrant offense. In contrast, the American legal system is based on constitutional principles and civil rights. In the United States, individual freedoms and civil liberties hold considerable importance, and the laws are structured in a way that seeks to safeguard these rights. For instance, in the U.S., police officers generally require a judicial warrant to make an arrest, except in particular circumstances where the crime is evident and ongoing. Meanwhile, in Iran, police authority may be broader in some cases, and the criteria for warrantless arrests may be defined differently. These distinctions illustrate the influence of culture, religion, and historical background on the legal systems of the two countries and demonstrate how social and political values can shape the legal framework.

Keywords: *Flagrant offense, hidden crime, judicial officer, civil rights.*

How to cite: Saeli, M., Golkhandan, S., & Rajabi, A. (2025). A Comparative Study of the Conditions and Consequences of Flagrant Offenses in Iranian and American Law. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(3), 1-17.



تاریخ ارسال: ۶ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲ تیر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۰ تیر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ مهر ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

مطالعه تطبیقی شرایط و آثار جرم مشهود در حقوق ایران و آمریکا

محمد سائلی^۱، سمیرا گل خندان^۲، اکبر رجبی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: S.golkhandan@iau.ir

چکیده

هدف این پژوهش مطالعه تطبیقی شرایط و آثار جرم مشهود در حقوق ایران و آمریکا به روش توصیفی و تحلیلی است که به این یافته اشاره دارد مطالعه تطبیقی این موضوع می‌تواند به درک بهتر نقاط قوت و ضعف هر سیستم حقوقی کمک کند و راهکارهایی برای بهبود قوانین داخلی ارائه دهد. در حقوق ایران، جرم مشهود به جرمی گفته می‌شود که در حین ارتکاب یا بلافاصله پس از آن، علائم و شواهد کافی برای اثبات وقوع جرم وجود دارد. این نوع جرم به دلیل آشکار بودن، نیازمند فرآیند سریع‌تری در تحقیقات و رسیدگی است. در حقوق آمریکا نیز مفهوم مشابهی وجود دارد که به آن «جرم آشکار» یا «جرم در حال وقوع» گفته می‌شود. در این سیستم، پلیس مجاز است بدون نیاز به حکم قضایی، اقدام به دستگیری افراد مظنون کند، مشروط بر اینکه شواهد کافی از وقوع جرم موجود باشد. تفاوت‌های اصلی میان نظام حقوقی ایران و آمریکا در جنبه‌های مختلفی از جمله نحوه برخورد با جرم مشهود، اختیارات پلیس و شرایط دستگیری بدون حکم قضایی قابل مشاهده است. در ایران، قوانین اسلامی و اصول شرعی به عنوان مبنای اصلی در تعیین چارچوب‌های قانونی عمل می‌کنند. این قوانین تأکید زیادی بر مفاهیم دینی و شرعی دارند و در مواردی ممکن است تفسیرهای خاصی از جرم مشهود ارائه دهند. در مقابل، نظام حقوقی آمریکا بر اساس اصول قانون اساسی و حقوق شهروندی بنا شده است. در این کشور، آزادی‌های فردی و حقوق مدنی اهمیت زیادی دارند و قوانین به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که از این حقوق محافظت کنند. مثلاً در آمریکا، پلیس برای دستگیری افراد معمولاً نیاز به حکم قضایی دارد، مگر در شرایط خاصی که جرم آشکار و مشهود باشد. این در حالی است که در ایران، اختیارات پلیس ممکن است در برخی موارد گسترده‌تر باشد و شرایط دستگیری بدون حکم قضایی متفاوت تعریف شود. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تأثیر فرهنگ، مذهب و تاریخ بر نظام‌های حقوقی دو کشور است و نشان می‌دهد که چگونه ارزش‌های اجتماعی و سیاسی می‌توانند چارچوب قانونی را شکل دهند.

کلیدواژگان: جرم مشهود، جرم پنهان، ضابط قضایی، حقوق شهروندی.

نحوه استناددهی: سائلی، محمد، گل خندان، سمیرا، و رجبی، اکبر. (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی شرایط و آثار جرم مشهود در حقوق ایران و آمریکا. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۳)، ۱۷-۱۹.

و دقیق برای بازرسی وسایل نقلیه است. برخلاف ایران، در آمریکا امکان صدور قرارهای بازرسی پیش‌دستانه یا انتظاری وجود دارد که هدف آن جلوگیری از وقوع جرم یا کشف جرم پیش از وقوع است. از منظر ضمانت‌اجراها، هر دو نظام حقوقی ایران و آمریکا ابزارهایی مانند ضمانت‌اجراهای کیفری و مدنی را پیش‌بینی کرده‌اند. با این حال، در حقوق آمریکا ضمانت اجرای بطلان یا رد دلیل نیز وجود دارد که این امر نقش مهمی در تضمین رعایت تشریفات دادرسی ایفا می‌کند. این رویکرد نشان‌دهنده اهمیت بالای قواعد دادرسی در نظام حقوقی کامن‌لا است. در نهایت، در این نظام حقوقی، حواس پنجگانه نقش بسزایی در شناسایی جرایم مشهود دارند که این امر نیز به نوبه خود بر اثربخشی و کارآمدی فرآیندهای قضایی تأثیرگذار است (Del Carmen, 2006).

شرایط و آثار جرم مشهود در حقوق ایران

جرم مشهود در حقوق ایران به جرمی اطلاق می‌شود که آشکارا و بدون نیاز به تحقیق و تفحص خاصی، وقوع آن قابل مشاهده و اثبات باشد. این نوع جرم زمانی رخ می‌دهد که یا جرم در حضور مأمورین کشف شود و یا آثار و شواهد غیرقابل تردیدی از وقوع جرم بلافاصله پس از آن بر جای بماند. شرایط تحقق جرم مشهود و آثار آن بر نحوه برخورد قانونی با متهم و مرحله دادرسی تأثیرگذار است. یکی از ویژگی‌های مهم جرم مشهود این است که مأموران انتظامی و قضایی نیازی به دستور مقام قضایی برای اقدام فوری ندارند. به عبارت دیگر، این جرائم شرایط ویژه‌ای را برای تسریع فرآیند رسیدگی فراهم می‌آورند. به طور کلی، شرایطی که جرم مشهود را تعریف می‌کند شامل مشاهده مستقیم جرم توسط مأموران، وجود آثار واضح جرم مانند علائم خشونت یا استفاده غیرقانونی از وسایل و اموال و یا گزارش قابل اطمینان از افراد حاضر در صحنه است. آثار حقوقی جرم مشهود را می‌توان در چند بخش بررسی کرد. نخست، امکان دخالت سریع مأمورین برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم فراهم می‌شود. دوم،

در حقوق ایران، جرم مشهود به جرمی گفته می‌شود که در حضور مأموران یا افراد دیگر اتفاق افتاده و شواهد کافی برای اثبات آن در همان لحظه وجود دارد. این تعریف بر نیاز به اقدام فوری از سوی مأموران تأکید دارد تا از فرار متهم یا از بین رفتن شواهد جلوگیری شود. در نظام حقوقی آمریکا، مفهوم جرم مشهود مشابه است، اما نحوه برخورد با آن بسته به قوانین ایالتی و فدرال متفاوت است. به طور کلی، پلیس در مورد جرایم مشهود اختیار بیشتری برای دستگیری بدون حکم قضایی دارد. با این حال، اصول دادرسی عادلانه و رعایت حقوق متهم از اهمیت بالایی برخوردار است و تمامی اقدامات باید در چارچوب قانون انجام شود. در نظام کامن‌لا، که بر پایه اصول عرفی و رویه قضایی استوار است، جرم مشهود نیز به جرمی اشاره دارد که در حضور مأموران یا افراد دیگر رخ داده باشد. در این نظام نیز مأموران پلیس اجازه دارند بدون حکم قضایی اقدام کنند، اما تأکید زیادی بر جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و رعایت حقوق فردی وجود دارد. مطالعه تطبیقی این موضوع می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر یک از این نظام‌های حقوقی کمک کند و زمینه‌ای برای اصلاحات قانونی فراهم آورد. این امر می‌تواند منجر به بهبود عملکرد قضایی و افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری شود.

نظام حقوقی کامن‌لا، به ویژه در آمریکا و انگلیس، در خصوص تفتیش و بازرسی منازل و وسایل نقلیه دارای قواعد مشخص و متفاوتی نسبت به نظام حقوقی ایران است (Koushki & Soheil Moghadam, 2015). در این نظام، اصولاً تفتیش منازل نیازمند حکم قضایی است، مگر در جرایم مشهود که جرم به وضوح قابل مشاهده باشد. در این موارد، نیازی به اخذ مجوز نیست. علاوه بر این، در حقوق آمریکا حتی در موارد خطر فوری نیز مقامات انتظامی مجاز به تفتیش و بازرسی هستند. یکی از ویژگی‌های برجسته حقوق کیفری آمریکا، وجود مقررات روشن

ابزارهای قانونی مانند بازرسی و توقیف بدون حکم قبلی قاضی در مورد این جرائم دست بازتری به مأموران می‌دهد. همچنین، در مرحله رسیدگی قضایی، گزارش‌های اولیه مأموران نسبت به دیگر گزارش‌ها و تحقیقات وزنه بیشتری خواهند داشت؛ چرا که مبتنی بر مشاهدات عینی از صحنه هستند. در نهایت، با توجه به اهمیت عدالت و حفظ حقوق شهروندان، برخورد با جرم مشهود باید بر اساس قوانین مشخص و اصول تعریف شده صورت گیرد تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود.

شرایط

۱- ضابط بودن

یکی از شرایط مداخله در جرایم مشهود، ضابط بودن می‌باشد. بنابراین آشنایی با اقسام ضابطان از اهمیت برخوردار می‌باشد. ضابطان دادگستری در یک تقسیم بندی به ضابطان عام و خاص تقسیم می‌شوند؛ ضابطان عام افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرم‌ها را دارند مگر آنچه را که قانون منع کرده است (Zara'at et al., 2012) و ضابطان عام در ماده ۲۹ قانون جدید آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و در بند «الف» چنین آمده است که (ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران، درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران)؛ از این رو ضابطان عام در ماده فوق احصاء گشته است.

ضابطان خاص افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره هیچ جرمی را ندارند مگر آنچه را که قانون اجازه داده است (Zara'at et al., 2012). در بند (ب) ماده ۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز ضابطان خاص، احصاء شده اند: (ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند، از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی

که به موجب قانون، تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول می‌شود، ضابط محسوب می‌شود). با وجود این تقسیمات می‌توان کاملاً ضابطان دادگستری را از یکدیگر احصاء نمود. حال سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که ضابطان دادگستری چه وظیفه‌ای در قبال برخورد با جرائم مشهود دارند؟ و تا چه حدی می‌توانند مداخله گر باشند؟ از آن جهت که جرم مشهود در تعاریف و مصادیق دچار رویکردهای جدیدی شده است، اما در تقسیمات، همان است که در قوانین سابق مورد تقنین قرار گرفته است؛ جرم مشهود، خود از لحاظ رؤیت به دو دسته مشهود و غیر مشهود تقسیم می‌شد و خود جرم مشهود نیز به دو دسته حکمی و موضوعی و مشهود نیز از منظر دید توسط افراد ضابط خود به دو دسته جرم مشهود از دید ضابطین عام و جرم مشهود از دید ضابطین خاص تقسیم بندی می‌شد. از این رو جرم مشهود از مبانی عظیمی برخوردار می‌باشد که مطالعه همه این مبانی در راستای موضوع فوق از پراکندگی مطالب برخوردار خواهد بود.

۲- مهارت و آموزش

علاوه بر ذکر افرادی که نوعاً ضابط محسوب می‌شوند. برای احراز عنوان ضابط دادگستری فراگیری مهارت‌ها و گذراندن دوره‌های آموزشی لازم را ضروری دانسته است و برای برعهده گرفتن وظایف ضابطین، دارا بودن کارت ویژه ضابطین را شرط کرده است. بدیهی است مقرر فوق در هرچه شخصی تر کردن وظایف ضابطین دادگستری تأثیری فوق العاده داشته، علاوه بر اینکه با آموزش مهارت‌های تخصصی جهت کشف جرم و تعقیب مجرمان، از دخالت افراد فاقد این کارت که بعضاً مقتضی سوء استفاده‌هایی (گرفتن رشوه از اصحاب دعوا) می‌شوند ممانعت به عمل می‌آورد. در خصوص این سؤال که هر شخصی می‌تواند به عنوان ضابط دادگستری در جرایمی که مشهود می‌باشد مداخله نماید؟ می‌توان به مواد مختلفی در این رابطه استناد نمود. در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب ۱۳۹۲) بیان گردیده است که

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درج گردیده است، موارد ذیل به عنوان جرم مشهود واقعی یا جرم موضوعی محسوب می‌گردد:

۱- جرم در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده باشد.
۲- بلافاصله پس از وقوع جرم، خود جرم مورد مشاهده مأمورین قرار گیرد.

۳- بلافاصله پس از وقوع جرم، آثار مورد مشاهده مأمور کشف جرم قرار گیرد حال در باب مثال لازم است موارد ذیل اشاره گردد. مثال (۱): در خیابان درگیری و نزاع صورت می‌گیرد و مأمور می‌بیند که فرضاً آقای (الف) با چاقو به آقای (ب) حمله کرده و به او ضربه‌ای می‌زند، در این صورت جرم مشهود و واقعی صورت گرفته است چون جرم در دید مأمورین اتفاق افتاده است.

مثال (۲): اینکه در نزاعی که بین آقای (الف) و آقای (ب) در گرفته است بعد از نزاع، مأمورین می‌رسند و می‌بینند که آقای (الف) چاقویی در دست دارد که خونی است و آقای (ب) هم چاقو خورده و محل زخم در حال خونریزی است و بی حال یا بیهوش افتاده است در این جا آثار وقوع جرم مثل زخمی بودن آقای (ب) و علائم آن مانند وجود چاقوی خونی در دست آقای (الف) دلیل وقوع جرم است که چون مأموران آن مشاهده نموده اند، مشهود واقعی به شمار می‌آید.

جرم مشهود یا حکمی جرمی است که عمل مجرمانه حقیقتاً مشهود نیست ولی قانون‌گذار به علت وضعیت خاص وقوع، آن را مشهود تلقی می‌نماید، احراز در این قبیل موارد به کمک ادله، قوانین مادی یا براهین عقلی که امکانات انتساب عمل مجرمانه به شخص معین را متصور می‌سازد، صورت می‌گیرد. با دقت در تعریف جرم مشهود فرضی، از بین مصادیق جرم، که در ماده ۴۵ درج گردیده است موارد زیر را می‌توان به عنوان جرم مشهود فرضی محسوب کرد:

۱- در صورتی که جرم در مرئی و منظر دو نفر یا بیشتر (اشخاص عادی) واقع شده باشد.

«احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است». در متن ماده، عبارت «وثاقت و مورد اعتماد بودن» بنابر ایراد و برای تأمین نظر شورای نگهبان اضافه شده و منظور شورا این بوده که ضابطان، مورد وثوق و اعتماد مقام قضایی هم باشند، امری که حصول آن با تعداد زیاد ضابطان در هر حوزه قضایی آسان نیست (Khaleghi, 2014). یکی از نوآوری‌های قانون جدید را می‌توان مفاد همین ماده (ماده ۳۰) دانست. در قانون سابق چنین ماده‌ای مقرر نشده بود و لزوم تحصیل کارت ویژه برای ضابطین نشان می‌دهد که سپری نمودن دوره‌های آموزشی برای آن‌ها لازم و ضروری است. وظیفه اجرای مفاد این ماده هم با دادستان است (Salimi & Bakhshizadeh Ahari, 2014).

بنابراین در خصوص اینکه چه کسانی با عنوان ضابطین دادگستری می‌توانند، مداخل در جرایم مشهود باشند، قانونگذار شرایط ضابطین دادگستری را در مواد مختلفی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ معین نموده است و با تحولات رخ داده در قانون آیین دادرسی کیفری جدید می‌توان وظایف دادگستری را به طور گسترده‌ای در خصوص جرایم مشهود مورد مطالعه قرار داد.

۳- مشهود بودن

شرط سوم جرم مشهود، مشهود بودن جرم است. جرم مشهود نیز همانند رؤیت جرم به دو دسته جرم مشهود واقعی (موضوعی) و جرم مشهود فرضی (حکمی) تقسیم می‌شود که در ذیل هر یک را تشریح خواهیم نمود:

جرم مشهود واقعی (موضوعی) جرمی است که عمل مجرمانه در حضور ضابطین دادگستری یا بلافاصله پس از وقوع، خود جرم یا آثار جرم مورد مشاهده مأمورین یاد شده واقع می‌شود؛ بدین ترتیب از بین مصادیق جرم مشهود که در ماده ۴۵ قانون آئین

۲- بلافاصله پس از وقوع جرم، مجنی علیه شخص معینی را مرتکب معرفی نماید. در این حالت که بلافاصله پس از وقوع جرم مجنی علیه به مأمورین شخص معینی را به عنوان مرتکب جرم معرفی می‌کند، برای مأمور نباید هیچ گونه ابهام و تردیدی وجود داشته باشد و مأمور کشف جرم تا مادامی که به طور قطع و یقین از وقوع جرم اطلاع حاصل نکرده باشد، حق ندارد به عنوان جرم مشهود اقدام به دستگیری فرد معرفی شده بنماید و صرف معرفی شاکی دلیل بر واقعیت وقوع جرم و کافی برای دستگیری توسط مأمور نیست؛ به عنوان مثال؛ اگر شاکی برای فریب مأمور، اظهار کند که همین الان این جرم واقع شده است، ولیکن مأمور در مراجعه محل حضور شخص معرفی شده (متهم) به استناد دلایل و قرائن متوجه گردد که جرم چندین ساعت قبل و یا یک روز قبل واقع شده است، در این حالت حق ندارد به عنوان مصداق جرم مشهود اقدام به دستگیری متهم، بدون هماهنگی و اطلاع مقام قضایی بنماید، البته در صورتی که متهم با رضایت خود در آزادی کامل در معیت مأمور جهت انجام تحقیقات و معرفی به مرجع قضایی اعزام شود، ظاهراً به نظر می‌رسد که قانوناً ملغی وجود نداشته باشد.^۱

۳- یافت شدن علائم و آثار واضح جرم یا اسباب و دلایل جرم در تصرف، در موقعی نزدیک به زمان وقوع جرم: در صورتی که در زمان نزدیکی پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح جرم مانند آثار انگشتان، خون ریخته شده مجنی علیه در صحنه جرم یا روی بدن و یا خودروی متهم و... و به طریقی که قابلیت ارتباط با یکدیگر داشته باشد، یافت شود و یا اینکه وسایل، آلات و ادوات مورد استفاده در ارتکاب جرم از قبیل چاقو، تیز بر، اسلحه، چماق شاه کلید و... که مرتبط با عمل مجرمانه می‌باشد و تعلق این اسباب و دلایل جرم به متهم احراز می‌شود، کشف گردد، در این گونه مواقع در صورت احراز شدن مأمور کشف جرایم مبنی بر اینکه

^۱ همان.

عمل مجرمانه با چنین کیفیتی واقع گردیده است و هیچ شبهه‌ای در واقعیت وقوع آثار و علامت و اسباب به وسیله متهم، وجود نداشته باشد، مورد از مصادیق دستگیری خواهد بود.

۴- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود: همانطور که ملاحظه می‌گردد در این مورد، مرحله فرار به سه قسم قابل تقسیم بندی می‌باشد.

الف) در حالتی است که متهم از حالت عادی خارج شده وبا حالات و رفتار غیر عادی، نشان می‌دهد که قصد فرار دارد. در صورتی که مأمور کشف جرم چنین حالتی را احراز نماید، می‌تواند فرد مذکور را دستگیر نماید.

ب) در حالتی است که متهم به طور واقعی فرار را شروع کرده است که در این صورت جز مصادیق جرم مشهود محسوب می‌گردد و مأمور حاضر در صحنه حق دستگیری متهم را دارد.

ج) در حالتی است که فرار متهم پایان یافته باشد و متهم فوراً پس از فرار دستگیر شود، که این حالت نیز جز مصادیق جرم مشهود محسوب می‌گردد.

۵- وقتی که متهم ولگرد باشد؛ در چنین وضعیتی، در صورتی که مأمور کشف جرم، وقوع جرم را احراز تأیید و همچنین به ولگرد بودن متهم مبنی بر اینکه اقامتگاه، کار و وسیله زندگی معلوم و معین ندارد، علم حاصل گردد و بالاخره اینکه بین ولگرد بودن متهم با عمل مجرمانه ارتباطی وجود داشته باشد، که در این صورت جز مصادیق جرم مشهود محسوب شده و مأمور کشف جرایم حق دستگیری وی را دارد.

۶- درخواست صاحبخانه؛ در صورتی که صاحبخانه (یا مستأجر) بخاطر اینکه در داخل جرمی در شرف وقوع یا در حین وقوع یا واقع شده است (خواه مجنی علیه خود صاحبخانه باشد یا دیگری) از مأموران کشف جرائم، تقاضای ورود به منزل را نمایند، در این

ابتدایی خود، دادگستری عمومی پا به عرصه اندیشه‌های کیفری گذاشت که در دوره حیات آن مقام تعقیب به عنوان مدافع حکومت و پادشاه عمل می‌کرد. نهاد یا فرد تعقیب کننده یا دادستان در این نقش، مأمور وصول مالیات و نماینده قدرت عمومی محسوب می‌شد (Miri, 2011). با پیشرفت جوامع و تحولات فکری و فرهنگی، این نقش مقام تعقیب دچار تحول جدی شد و به موازات وظیفه اولیه آنان که دفاع از منافع پادشاه بود، وظیفه دیگری هم بر عهده آنان گذاشته شد که همانا دفاع از منافع عمومی جامعه بود.

با این حال در جریان گذر زمان، به تدریج این دو دیدگاه در کنار یکدیگر قدرت گرفته و به حیات خود ادامه دادند. با این حال بسته به زمان و مکان، یکی بر دیگری برتری یافت. از این زمان به بعد مجرم، علاوه بر بزه دیده از سوی مقام تعقیب عمومی نیز قابل پیگرد بود. این دوره، دوره دادگستری عمومی نامیده شده است. در این دوره دعوای عمومی از دعوای خصوصی تفکیک شد و این اندیشه مطرح گردید که جرم رفتاری ضد اجتماعی است و به سبب ایجاد اختلال در نظم عمومی، اقامه دعوی علیه مرتکب را موجب می‌گردد. به عبارت دیگر تعقیب کیفری از گذر توجه به جنبه‌های مختلف جرم مورد توجه قرار گرفت. به تدریج مبانی فکری جوامع نیز از حالت دیکتاتوری و استبدادی خارج شد و بدین سان تعقیب کیفری مجرم به عنوان یکی از اصول بنیادی حفظ نظم در اجتماع از این تحول مصون نماند و این موضوع در تحول و تکامل مبنای تعقیب، نقش انکار ناپذیری ایفا نمود تا جایی که دعوای ناشی از جرم نیز مورد توجه قرار گرفت. پس از آن با تحول افکار سیاستمداران و حکم رانان و تأثیرپذیری از نظرات عالمان و اندیشمندان حقوق کیفری، چپستی و چرایی تعقیب مطرح شد (Miri, 2011).

دولت به عنوان حافظ نظم عمومی به زعم «هابز» همان خداوند میرایی است که از جمع کردن اختیارات و آزادی‌های افراد به اندازه‌ای قدرت یافته است که بتواند آسایش و امنیت آنان را تأمین

صورت از مصادیق جرم مشهود بوده مأموران می‌توانند با اجازه صاحبخانه و با رعایت موازین شرعی و قانونی برای احراز وقوع جرم، جمع آوری دلایل جرم و دستگیری متهمان اعم از روز و شب وارد منزل شوند (Salimi & Bakhshizadeh Ahari, 2014). با وجود توضیحات فوق مشخص گردید که جرم مشهود، خود به دو دسته جرم مشهود واقعی و فرضی تقسیم بندی می‌شود و از این رو جرم واقعی متفاوت تر از جرم مشهود فرضی می‌باشد.

آثار

۱- برقراری نظم و امنیت

مداخله ضابطان در جرایم مشهود، می‌تواند آثاری همچون برقراری نظم و امنیت را به عنوان نهاد تعقیب در بر داشته باشد. با دقت و تأمل در مبانی وجودی تعقیب به خوبی می‌توان به جایگاه و فلسفه آن پی برد. تعقیب کیفری از یک سو، با حقوق و آزادی‌های افراد و از سوی دیگر، با نظم و امنیت عمومی مرتبط است. اقدام به آن، حقوق و آزادی‌ها را به مخاطره می‌اندازد و ترک آن، نظم و امنیت عمومی را مختل می‌سازد. همین جدال میان دو ارزش اجتماعی در تجلی و ظهور تعقیب کیفری است که می‌تواند آن را با دشواری مواجه ساخته و ایرادات اساسی را بر آن وارد کند، زیرا که تمایل به سوی هر یک از این دو ارزش، نادیده گرفتن دیگری را در پی دارد که این خود بر دشواری و ایرادات تعقیب کیفری می‌افزاید (Miri, 2011). از نظر تاریخی، ابتدا تعقیب دعوای کیفری به عهده فرد بزه دیده بوده است (Gaston et al., 1998)، زیرا جرم در بدو امر حق بزه دیده را سلب کرده است و این سلب حق، اختیار تعقیب را برای صاحب حق محفوظ می‌دارد. در دوره‌ای که این رویکرد تجلی داشت و به دادگستری خصوصی معروف است، اندیشه تعقیب جرایم توسط نماینده جامعه مطرح نبوده است و زیان دیده از جرم، به طور خصوصی در صدد تعقیب مجرم بر می‌آمد و با جمع آوری دلایل، مجازات مرتکب را از دادگاه تقاضا می‌نمود. با افول این دادگاه و ظهور دولت‌های قدرتمند در معنای

کرده و امکان بهره برداری از ثمرات ارض را به بهترین نحو ممکن به ایشان عطا کند. این دولت که نام و ذکرش همراه با فلسفه وجودی آن یا امنیت آنان گره خورده است در پی ایجاد نظم عمومی در جامعه است (Miri, 2011). «نظم عمومی» قدیمی ترین و ابتدایی ترین نتیجه دولت به معنی جدید آن است، به عبارت دیگر هر جا در تاریخ تمدن، نظم عمومی ملاحظه شود، دولت به عنوان ناظم و تأمین کننده این نظم متبادر به ذهن می شود. نظم عمومی محتاج دولت و دولت محتاج نظم عمومی است. این هر دو با هم فرا می آیند یا فرو می افتند. هستی دولت با ایجاد نظم عمومی هم تثبیت و هم اثبات می گردد و نظم عمومی تنها نمای هستی دولت است. ملازمه دولت با نظم عمومی و نظم عمومی با ایجاد سازمان کیفری ناگزیر به این معنی دلالت دارد که مبنای حقوق جزا و در نتیجه تعقیب کیفری دولت است. از همین رو اولین فصول الواح حمورابی و سایر نظام های قانونی پس از او به شمارش جرایم و تعیین کیفر مجرمان اختصاص یافته است و ناگزیر قبل از تعیین کیفر مرحله تعقیب باید مورد بررسی قرار گیرد. اصولاً دادرسی های جزایی مسبوق به یک مرحله ابتدایی هستند (Qasemi, 2008).

در راستای حفظ و تأمین این نظم و امنیت، در حقیقت، پس از مرحله کشف جرم تعقیب آغاز می شود. اکنون یک سؤال اساسی مطرح است و آن اینکه چرا تعقیب؟ یا به عبارت دیگر آنچه تعقیب را توجیه می کند و به پرسش چرایی آن پاسخ می دهد چیست؟ عنوان سؤال گونه این قسمت، این دغدغه را مطرح می کند که دلیل طرح ایده تعقیب کیفری چیست؟ اعاده نظم عمومی مختل شده است؟ جبران ضرر و زیان شاکی خصوصی است؟ اجرای عدالت است؟ و یا اینکه اساساً تعقیب کیفری برای حاکمیت و دولت یک حق است یا تکلیف؟ برای پاسخ به این سؤالات و توجیه علل تعقیب باید اذعان داشت، زمانی که انسان به فراست دریافت که به تنهایی قادر به ادامه زندگی در برابر مشکلات نیست، زندگی

اجتماعی را آغاز کرد. در قالب ایده قرارداد اجتماعی، این زندگی اجتماعی در قالب یک قرارداد دوطرفه قرار می گیرد (Miri, 2011). در ضمن شرایط این قرارداد، انسانی که پا به عرصه زندگی اجتماعی می گذارد از پاره ای از آزادی های خود به نفع حاکمیت می گذرد و در ازای آن از حاکمیت، امنیت و آرامش را مطالبه می کند (Rousseau, 2000).

وجود حاکمیت، حق اعمال و اجرای اقدامات حاکمیتی را نیز به مقامات حاکم می دهد. نمود بارز اعمال این حق، دخالت در آزادی شهروندان و تعقیب و مجازات نمودن آن ها در قبال ارتکاب جرم از سوی آنان است. تعقیب و در نهایت مجازات، در این فرایند ابزاری است قهرآمیز که دولت به عنوان نمود و نماد حاکمیت از طریق آن در پی تأمین امنیت و ترمیم نظم از دست رفته است، همزمان می کوشد تا با معرفی اهداف گسترده ای برای آن، از بروز دوباره جرایم نیز جلوگیری کند (Nasrin, 2007). در این میان عدالت پاره ای است جدایی ناپذیر از فرایند تعقیب و مجازات دهی فرد خاطی و از این رو جهت تأمین عدالت و برآوردن آن به نحو شایسته تر به وجود دستگاه عدالت محوری است که بتواند به نحو مطلوبی عدالت را در اعمال تعقیب، محکومیت و اجرای مجازات تأمین نموده و امنیت را به طور ایده آل باز گرداند (Miri, 2011). بدین ترتیب، تعقیب کیفری به عنوان راهی یا شاید به عنوان تنها راه برای رسیدن به این امنیت، الزامی است برخاسته از قرارداد اجتماعی که از سوی شهروندان به حاکمیت واگذار شده است. اما سؤال دیگری که در پی سؤال نخست به ذهن می رسد این است که تعقیب از نظر ماهوی حق است یا تکلیف؟ پاسخ به این پرسش در قالب هر یک از مؤلفه های فوق آثار مخصوص خود را به جای خواهد گذاشت، چرا که حق امری است قابل عدول و قابل اسقاط و چنانچه تعقیب برای دولت یک حق باشد، می تواند در صورت خواست خود از آن عدول کند یا آن را اسقاط نماید. اما در صورتی که تعقیب را از نوع تکلیف بدانیم خودداری از ادای آن ممکن

انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک بدست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. ضابطان تنها در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت کنند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد. یکی از تحولات دیگر در زمینه جرائم مشهود را می‌توان ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری جدید بیان داشت.^۲ علی‌رغم آنکه این ماده نیز در ماده ۲۴ قانون سابق نگاشته شده بوده است، اما تحولاتی در آن به وقوع پیوسته است. مبنای این ماده، اصل ۳۲ قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند، در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر ادله بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.» در این ماده (ماده ۴۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲) برخلاف ماده ۲۴ ق.آ.د.ک سابق، چنانچه در جرائم مشهود که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط متهم وجود داشته باشد و نگهداری وی برای تکمیل تحقیقات ضرورت داشته باشد، ضابطان حداکثر تا ۲۴ ساعت و با رعایت تشریفات مقرر در قانون، می‌توانند متهم را تحت نظر قرار دهند. در واقع قانون‌گذار در این ماده برخلاف ماده ۲۴ قانون سابق اصل را بر این گذاشته که ضابطان نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند مگر اینکه دو قید وجود داشته باشد: ۱- در جرائم مشهود قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود، توسط مظنون

نیست، بلکه باید تمام قوای دولت را در راستای انجام این تکلیف به کار بست. تلاش برای فراهم آوردن یک دولت را در راستای انجام این تکلیف است، چرا که در قبال انجام آن مسئول بوده و در همین راستا تعقیب نیز تلاشی است برای رسیدن به یک محکومیت یا براءت به صورت عادلانه؛ براساس این مقدمه ساده می‌توان تعقیب کیفری را الزامی اجتماعی برای حاکمیت در نظر گرفت که بایست در کنار سایر الزامات، آن را به انجام رساند (Miri, 2011). بدین ترتیب با استدلال‌های مطرح شده می‌توان به پاسخ‌های گوناگون در خصوص چرایی تعقیب رسید: «۱- اعاده نظم و امنیت مختل شده در اثر ارتکاب جرم و تکلیف حاکمیت در خصوص تعقیب کیفری فرد خاطی، ۲- جبران و ترمیم ضرر و زیان شاکی خصوصی، ۳- اقتضای عدالت در تعقیب فردی که مرتکب بزه شده است؛ ۴- پیشگیری از وقوع جرم در آینده توسط مرتکب یا سایرین.» (Goldoust Joibari, 2009). بنابراین یکی از آثار تعقیب کیفری و کشف جرایم مشهود را می‌توان برقراری نظم و امنیت عنوان نمود.

۲- حفظ ادله و ضبط آن

چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل، ادله، اسباب و آثار جرم دیگری را که تهدید کننده امنیت و آسایش عمومی جامعه باشد مشاهده کنند، ضمن حفظ ادله و تنظیم صورت مجلس، بلافاصله مراتب را به مراجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند.^۱ مطابق ماده ۲۴ قانون جدید، ضابطان دادگستری درباره جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را

۱. ماده ۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۲. ماده ۴۶ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲: ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند،

اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.

وجود داشته باشد (ماده ۴۴) ۲- در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات، ضروری باشد. چنانچه در جرائم مشهود، متهم توسط ضابطان دستگیر شود، نگهداری او نمی‌تواند بیش از ۲۴ ساعت طول بکشد. چنانچه بازجویی از متهم حاکی از توجه دلایل اتهام به او باشد، وی باید جهت تعیین تکلیف به دادسرا اعزام گردد، در غیر این صورت یعنی ادامه نگهداری تحت نظر، ضابطان مرتکب جرم توقیف غیر قانونی شده و طبق ماده ۵۸۳ ق.م.ا ۷۵ قابل مجازات خواهند بود (Khaleghi, 2014). در قانون جدید مقنن با عبارت «مکلف است» نسبت به تکلیف ضابطین برای تبعیت از حکم این ماده تأکید ورزیده است. در کنار این تکلیف، به «فوریت» انجام آن نیز اشاره شده است که در ماده ۲۴ قانون سابق چنین نبود. با توجه به عدم وجود دادسرا در زمان حکومت قانون ۷۸، ضابطین نتیجه اقدامات خود را به «مقامات قضایی» که غیر از دادستان بود اطلاع می‌دادند لیکن به تبع تشکیل دادسرا در سال ۸۱ و وجود آن در حال حاضر، نتیجه اقدامات به دادستان اطلاع داده خواهد شد (Salimi & Bakhshizadeh, 2014). مهمترین مستندات قانونی بازداشت متهم توسط ضابطان دادگستری که از گذشته تاکنون به تصویب رسیده عبارتند از: ماده ۱۹ نظام نامه صاحب منصبان امنیه و مأمورین از حیثی که از ضابطین عدلیه محسوبند مصوب ۱۳۰۷/۷/۹، ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری سابق، ماده ۱۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ با اصلاحات بعدی، تبصره ۳ ماده ۳۱ آیین نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب مصوب خردادماه ۱۳۵۸، تبصره ماده ۲۶ قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۰۴/۲۰ و ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ است (Zara'at et al., 2012).

در ماده ۴۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ به جای «مرجع صالح قضایی» از لفظ «دادستان» استفاده شده است. با توجه به اینکه قانون تشکیل

دادگاه‌های عمومی و انقلاب، رسیدگی به تحقیقات مقدماتی را بر عهده دادسرا و به ریاست دادستان گذاشته بود و به نوعی بخش‌هایی از قانون قدیم را نسخ ضمنی کرده بود، قانون جدید نیز از این رویه پیروی کرده و دادستان را جایگزین مقام صالح قضایی در قانون قدیم کرده است. در این ماده علاوه بر تنقیح بحث ابلاغ اتهام به متهم که در قانون قدیم بر عهده ضابطین دادگستری قرار گرفته بود، بحث تفهیم اتهام به متهم را هم مطرح کرده است که چنین اقدامی موجب انطباق بیشتر دادرسی کیفری با قانون اساسی خواهد بود. اصل سی و دوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم تفهیم و ابلاغ شود.» اما در قانون قدیم فقط ابلاغ مطرح شده بود و از تفهیم اتهام سخنی به میان نیامده بود که در قانون جدید با تصویب این ماده این نقص برطرف شده است (Kian, 2014).

در ماده فوق که همانند ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳ تقنین یافته شده است، تغییرات محدودی رخ داده که شرح آن گذشت. آنچه که از این ماده استنباط می‌گردد، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات در جرایم مشهود می‌باشد.

۳- حفظ حقوق شهروندی

حفظ حقوق شهروندی در جرایم مشهود تا آنجا اهمیت دارد که عدم رعایت آن و عدم پابندی به اصول حاکم بر آن، دست یافتن به یک جامعه متعالی و حکومتی مردم سالار را دور از دسترس قرار می‌دهد. بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی حفظ حقوق افراد جامعه بر عهده قوه قضاییه نهاده شده است تا با تدابیر خاص و کارآمد بتواند از نقض حقوق شهروندی جلوگیری نماید. یکی از مهمترین مراجع قوه قضاییه که حفظ حقوق شهروندی در لوای فعالیت و اقدامات آن می‌تواند جلوه نماید، مقام تعقیب (دادستان) است. از آن جهت که مقوله پیشگیری از جرم با بکار بردن گونه‌های مختلف پیشگیری از قبیل پیشگیری عمومی، وضعی و کیفری به نوبه خود در حفظ حقوق شهروندی و احیای آن نقش

داده است. بنابراین، ماده ۷ و ضمانت اجرای کیفری آن شامل کسانی نظیر وکیل و کارشناس نیز که به واسطه سمت خود «در فرایند دادرسی مداخله دارند» و مثلاً مرتکب نقض بند ۱۴ قانون قانون حقوق شهروندی (استفاده شخصی از اموال و اشیاء ضبط شده از متهمان) می‌گردد. بدیهی است که در چنین فرضی، شمول ماده ۵۷۰ قانون مجازات تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بر این اشخاص، امری استثنایی و مستند به حکم ماده ۷ خواهد بود (Khaleghi, 2014). با این حال مقامات قضایی و ضابطان دادگستری در صورتی که از تعقیب کیفری در جرایم مشهود استفاده نمودند، می‌بایست اصل رعایت حقوق شهروندی را که در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان گردیده به کار برند.

شرایط و آثار جرم مشهود در حقوق آمریکا

شرایط

برای اینکه یک وضعیت به عنوان جرم مشهود شناخته شود، باید شرایط زیر محقق گردد:

۱- مشاهده مستقیم توسط مأمور قانون

در حقوق ایالات متحده آمریکا، تحقق جرم مشهود مستلزم آن است که مأمور قانون شخصاً وقوع جرم یا شواهد مرتبط با آن را مشاهده کند. این بدان معناست که اطلاعات ارائه شده توسط شاهدان عادی، حتی اگر معتبر و دقیق باشند، به تنهایی برای اثبات جرم مشهود کافی نیست. این اصل بر اهمیت مشاهده مستقیم مأمور در فرایند قانونی تأکید دارد و نقش آن در جمع‌آوری شواهد و اجرای عدالت را برجسته می‌کند (Samaha, 2020).

۲- آشکار بودن جرم یا شواهد

بسیاری را ایفا می‌کند و عاملی شده است تا دادستان نیز به منظور حفظ حقوق شهروندی به آن متوسل گردد. دادستان در راستای پیشگیری از جرم و متعاقب آن حفظ و احیای حقوق شهروندی با الهام از مدل پیشگیری سه مرحله‌ای به پیشگیری از وقوع جرم و جلوگیری از تکرار جرم نظر دارد. دادستان با نظارت مستمر بر اشخاص و دستگاه‌ها در جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین و نیز تسریع و تدقیق وی در کشف و تعقیب جرایم و مجرمان، به دنبال آن است تا از وقوع اولیه جرایم جلوگیری نماید.^۱ آنچه بیش از هر چیز در بهداشت محیطی و قضایی مهم است این است که بتوان از ارتکاب جرایم در بدو امر جلوگیری نمود و این امری است که تمام سیاست جنایی حول آن بوجود می‌آید و تحقق آن جامعه را آرمان شهر خواهد کرد. با این حال شاید این تصور تا حدی ناممکن باشد به گونه‌ای که برخی از متفکران و جامعه شناسان نه تنها جامعه بدون جرم را محال بلکه وجود جرم در جامعه را امری عادی و به هنجار و لازمه تداوم اجتماعی می‌پندارند. مع الوصف در این خصوص که اقدام در پیشگیری از وقوع جرم امری لازم و شایسته است و امروزه مورد اتفاق است.^۲ در خصوص رعایت حقوق شهروندی، می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز اشاره‌ای داشت؛ چرا که در ماده ۷ قانون فوق‌الذکر رعایت حقوق شهروندی اشاره گردیده است.^۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تکلیف به رعایت حقوق مندرج در آن قانون را به روشنی متوجه «کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضاییه» نموده است، در حالیکه ماده فوق تکلیف مذکور را به «سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند» نیز تسری

۱. اداره کل دفتر آموزش و پژوهش سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۲، بایسته‌های پژوهشی در نظام عدالت کیفری، تهران، میزان، ص ۶۵۳.

۲. همان، صص ۶۶۱-۶۶۲.

۳. ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و

حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

موضوع تحت بررسی باشند و از حدس و گمان فراتر روند. به این ترتیب، عدالت و انصاف در فرآیندهای حقوقی تضمین می‌شود. آثار

۱- تأثیر جرم مشهود بر دستگیری و تحقیقات

یکی از مهم‌ترین آثار جرم مشهود، تسهیل فرآیند دستگیری توسط مأموران پلیس است. طبق قانون، اگر یک مأمور پلیس شاهد وقوع جرم مشهود باشد، می‌تواند بدون نیاز به حکم قضایی متهم را دستگیر کند. این امر باعث افزایش سرعت واکنش نیروهای انتظامی و جلوگیری از فرار یا از بین رفتن شواهد می‌شود. علاوه بر این، مفهوم «اصل دید آشکار» ("Plain View Doctrine") در حقوق آمریکا اجازه می‌دهد که مأموران پلیس بتوانند شواهدی را که در معرض دید قرار دارند، بدون نیاز به حکم تفتیش ضبط کنند. البته این اصل تنها در صورتی قابل اجرا است که مأموران به‌صورت قانونی در مکانی حضور داشته باشند که شواهد در آنجا مشاهده شده است (Kadish & Lippman, 2017).

۲- حقوق متهم در مواجهه با جرم مشهود

با وجود تسهیلاتی که جرم مشهود برای اجرای قانون فراهم می‌کند، حقوق متهم نیز باید مورد توجه قرار گیرد. قانون اساسی ایالات متحده، به‌ویژه متمم چهارم، از شهروندان در برابر تفتیش‌ها و توقیف‌های غیرقانونی محافظت می‌کند. بنابراین، هرگونه اقدام پلیس در مواجهه با جرم مشهود باید مطابق با اصول قانونی باشد. برای مثال، اگرچه مأموران پلیس می‌توانند شواهد مشهود را ضبط کنند، اما نمی‌توانند از این اصل به‌عنوان بهانه‌ای برای ورود غیرقانونی به املاک خصوصی استفاده کنند. در صورتی که حقوق متهم نقض شود، دادگاه می‌تواند شواهد به‌دست‌آمده را غیرقابل قبول اعلام کند (Zimring, 2007).

۳- تأثیرات اجتماعی و قضایی

جرم مشهود می‌تواند تأثیرات اجتماعی و قضایی قابل توجهی داشته باشد. از یک سو، این مفهوم به افزایش کارآمدی سیستم

در حقوق ایالات متحده آمریکا، یکی از اصول مهم در ارتباط با شواهد و جرایم این است که شواهد باید به صورت آشکار و بدون نیاز به جستجوی عمیق قابل مشاهده باشند. این اصل به ویژه در مواردی که بحث نقض حریم خصوصی مطرح است، اهمیت بالایی دارد. به عنوان مثال، اگر مأمور پلیس مواد مخدر را روی صندلی خودرو از طریق پنجره باز مشاهده کند، این مشاهده می‌تواند به عنوان دلیل قانونی برای اقدام بعدی مورد استفاده قرار گیرد. این قاعده از این جهت مهم است که تعادل میان حقوق شهروندان و نیازهای اجرایی قانون حفظ شود (Dressler, 2018).

۳- قانونی بودن حضور مأمور در محل

در حقوق ایالات متحده آمریکا، حضور قانونی مأمور در محل وقوع جرم یا مشاهده شواهد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ورود بدون مجوز مأمور به ملک خصوصی می‌تواند موجب غیرقابل قبول شدن شواهد در دادگاه شود. این موضوع به اصول قانونی مربوط به حریم خصوصی و حقوق شهروندان برمی‌گردد که در قانون اساسی ایالات متحده و قوانین مرتبط با حقوق مدنی تصریح شده است. در این راستا، مأموران موظف به رعایت دقیق قوانین مربوط به ورود و جستجو هستند تا حقوق افراد حفظ گردد و عدالت به درستی اجرا شود (Siegel, 2021).

۴- ارتباط مستقیم با جرم

در حقوق ایالات متحده آمریکا، شواهد مشاهده‌شده باید به طور مستقیم با وقوع جرم یا مسئله مورد بررسی مرتبط باشند. این بدان معناست که صرف مشاهده یک شیء یا رفتاری که به نظر غیرمشکوک یا بی‌ربط می‌رسد، نمی‌تواند به تنهایی به عنوان مبنای اقدام قانونی مورد استفاده قرار گیرد. چنین اصولی به منظور حفظ حقوق شهروندان و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی از قدرت قانونی تنظیم شده‌اند. این رویه همچنین تأکید می‌کند که برای اقدام قانونی، شواهد باید دارای ارتباط منطقی و مستقیم با

چنین جرایمی، بدون نیاز به دستور مقام قضایی، اقدامات اولیه را برای حفظ صحنه جرم و جلوگیری از فرار متهم انجام دهند. در مقابل، در نظام حقوقی آمریکا، مفهوم مشابهی تحت عنوان «In-Plain-View Doctrine» وجود دارد. این دکترین به ضابطان قانون اجازه می‌دهد که در صورت مشاهده جرم یا شواهد آن در معرض دید آشکار، بدون نیاز به حکم قضایی اقدام کنند. با این حال، حقوق متهمان و محدودیت‌های قانونی مرتبط با جستجو و توقیف نیز در این نظام بسیار مورد توجه قرار گرفته است. اصل چهارم قانون اساسی ایالات متحده که به حفاظت از حریم خصوصی افراد اختصاص دارد، چارچوب مشخصی برای برخورد با جرایم مشهود تعیین کرده است. مقایسه شرایط و آثار حاکم بر جرم مشهود در این دو نظام حقوقی نشان می‌دهد که هرچند هر دو رویکرد به دنبال حفظ نظم اجتماعی و اجرای عدالت هستند، اما تفاوت‌هایی در اصول حقوقی و نحوه اجرای قوانین وجود دارد. در ایران، تأکید بیشتری بر اختیارات ضابطان دادگستری دیده می‌شود، در حالی که در آمریکا، حفاظت از حقوق فردی متهمان از اولویت بالاتری برخوردار است. در نهایت، مطالعه تطبیقی این موضوع می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف هر دو نظام کمک کند و زمینه‌ساز اصلاحات قانونی برای بهبود فرآیندهای قضایی باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The concept of flagrant offenses, often referred to as "caught-in-the-act crimes," occupies a pivotal space in criminal jurisprudence due to its direct implications for immediate law enforcement actions, evidentiary procedures, and the protection of individual rights. In both

Iranian and American legal systems, such offenses enable judicial or law enforcement agents to intervene without prior judicial authorization under specific conditions. The legal definition of a flagrant offense in Iranian law encompasses criminal acts witnessed during or immediately after their commission, accompanied by unequivocal evidence. The

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی شرایط و آثار حاکم بر جرم مشهود در حقوق ایران و آمریکا موضوعی است که می‌تواند از جنبه‌های مختلف حقوقی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. آنچه که در نگاره پیش رو گذشت آن بود که جرم مشهود، جرمی است که وقوع آن به صورت آشکار و بدون نیاز به تحقیق و بررسی اولیه قابل مشاهده است. در حقوق کیفری، این مفهوم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا نحوه برخورد با این نوع جرایم، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر حفظ نظم عمومی و اجرای عدالت داشته باشد. در نظام حقوقی ایران، جرم مشهود بر اساس ماده ۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری تعریف شده است. این ماده شرایطی را برای شناسایی جرم مشهود مشخص می‌کند، از جمله مشاهده مستقیم وقوع جرم توسط ضابطان دادگستری یا مردم عادی، وجود آثار و شواهد آشکار از وقوع جرم، یا اعتراف صریح مرتکب در صحنه جرم. بر اساس این تعریف، ضابطان دادگستری موظف هستند در صورت مواجهه با

Iranian and American legal systems, such offenses enable judicial or law enforcement agents to intervene without prior judicial authorization under specific conditions. The legal definition of a flagrant offense in Iranian law encompasses criminal acts witnessed during or immediately after their commission, accompanied by unequivocal evidence. The

American legal system employs a similar construct known as “open” or “in-progress” crimes, wherein police officers are legally empowered to arrest suspects without a warrant provided the offense is observed in real-time and clear evidence is present. However, the philosophical, procedural, and systemic differences between the two systems manifest in the nature and scope of legal authority, safeguards for civil rights, and judicial oversight mechanisms. These discrepancies stem from underlying legal traditions—Sharia-based principles in Iran and constitutional, civil rights-based frameworks in the United States. The comparative approach adopted in this study facilitates a nuanced exploration of how these divergent legal systems balance public security imperatives with individual liberties, enabling identification of potential areas for domestic legal reform.

In Iranian law, the conditions required for a flagrant offense to be recognized include the necessity of the crime being observed by an authorized judicial officer (*dābit*), or clear indications of criminal conduct being discovered immediately afterward. The legal literature distinguishes between general and special judicial officers, with the former being broadly empowered to intervene across all crimes except those expressly exempted, and the latter being restricted to crimes designated by specific legislation (Zara'at et al., 2012). This categorization is crucial for demarcating lawful authority during immediate police actions. Furthermore, Iran's 2013 Code of Criminal Procedure emphasizes the requirement of formal certification, skill acquisition, and possession of a special judicial officer card for individuals intending to act in such capacities (Khaleghi, 2014; Salimi & Bakhshizadeh Ahari, 2014). The legal apparatus also differentiates between “real” and “constructive” flagrant offenses. Real or factual cases are those observed directly by

officers or evidenced by unmistakable post-crime indicators such as visible injuries, weapon possession, or victim statements made at the scene. Constructive or hypothetical flagrant crimes are legally designated based on circumstances—e.g., credible witness identification, suspect behavior indicative of flight, or possession of incriminating items immediately post-offense. This dual classification allows for flexible legal interpretation while maintaining procedural integrity.

In contrast, the American approach to flagrant offenses—derived from the common law tradition and refined through constitutional jurisprudence—places strong emphasis on procedural safeguards and the limitation of governmental power. A flagrant offense in U.S. law requires that the officer personally observe the criminal act or clearly visible evidence linked to it. Crucially, this observation must occur while the officer is lawfully present at the scene, aligning with Fourth Amendment protections against unreasonable searches and seizures. These constitutional safeguards ensure that warrantless arrests or searches only occur under exceptional and well-defined circumstances. The doctrine of “plain view” is frequently invoked in such contexts, allowing officers to seize evidence that is immediately apparent without infringing on individual rights, provided the officer's presence is legally justified and the incriminating nature of the object is evident. This legal structure reflects the American legal system's prioritization of civil liberties, creating a careful balance between law enforcement efficiency and individual privacy rights. Consequently, procedural errors or rights violations during flagrant offense encounters can render evidence inadmissible in court, thereby preserving the integrity of the judicial process and protecting the accused.

A critical consequence of flagrant offense recognition is the facilitation of swift criminal

investigations and prosecutions. In both legal systems, the doctrine permits immediate intervention to prevent suspect flight, evidence tampering, or continued criminal activity. In Iranian jurisprudence, Article 24 of the Code of Criminal Procedure authorizes judicial officers to take all necessary measures to preserve crime scene evidence, prevent collusion or escape, and immediately report findings to the public prosecutor. Article 46 further permits temporary detention of suspects for up to 24 hours without prior judicial approval, provided two conditions are met: the presence of strong indicators pointing to the suspect's involvement and the necessity of detention to complete investigations. This legal framework reflects a structured approach to balancing enforcement efficiency with procedural restraint. American jurisprudence, similarly, allows warrantless arrests for offenses committed in the officer's presence, but is more stringent in terms of evidentiary admissibility. Any violation of Fourth Amendment protections—such as unauthorized entry or seizure—can lead to the exclusion of evidence under the exclusionary rule, reinforcing the necessity for law enforcement to adhere to constitutional standards. While both systems recognize the need for rapid response, their methods of operationalizing this need reflect differing philosophies of justice.

The social function of flagrant offense mechanisms extends beyond law enforcement efficacy to encompass broader themes of public order, citizen trust, and state legitimacy. In the Iranian legal tradition, the legitimacy of the state as the guardian of social order is deeply intertwined with the effective enforcement of criminal law, including the prompt handling of flagrant crimes. Drawing on historical perspectives, Iranian scholarship traces the evolution of criminal prosecution from victim-led private justice to state-led public prosecution—a transition reflecting the

institutionalization of justice and the growing importance of collective security (Gaston et al., 1998; Miri, 2011). This transformation positions the state, through its judicial officers, as the primary enforcer of legal norms and protector of public welfare. As theorized by Hobbes and echoed in contemporary Iranian legal thought, the state's coercive powers—including arrest and prosecution—derive from a social contract wherein citizens relinquish certain liberties in exchange for security. This conceptualization justifies the authority of judicial officers to act decisively in the presence of flagrant offenses, as such intervention is seen as a manifestation of the state's obligation to maintain public order. Simultaneously, there is increasing recognition that such powers must be tempered by mechanisms ensuring accountability, transparency, and respect for human rights.

Preservation of evidence is another significant legal outcome associated with flagrant offenses. In both systems, immediate detection and intervention are crucial for securing physical evidence, witness testimonies, and scene integrity. Iranian law mandates that officers witnessing a flagrant crime must document all findings, record witness information, and submit reports to the prosecutor without delay. Failure to do so, or overstepping prescribed legal boundaries, can result in criminal liability for unlawful detention under Article 583 of the Islamic Penal Code. This procedural rigor is designed to enhance the evidentiary value of initial observations and ensure the admissibility of collected material during trial proceedings. American jurisprudence, while permitting immediate evidence seizure under the plain view doctrine, similarly demands that evidence must be obtained lawfully and with clear probable cause. Illegally obtained evidence is likely to be suppressed, potentially compromising the prosecution's case. Thus,

while flagrant offenses allow a temporary relaxation of procedural formalities, both systems stress the importance of evidentiary integrity and the rights of the accused, seeking to balance legal efficiency with constitutional safeguards.

Finally, the rights of citizens during flagrant offense procedures—especially those of the accused—are central to maintaining public trust in the legal system. Iranian legal reforms, including the 2013 Criminal Procedure Code, explicitly incorporate provisions for protecting civil rights during investigations. Article 7 of this code mandates the protection of citizens' rights by all judiciary personnel and participants in the judicial process, including attorneys and experts. Similarly, the Law on Respect for Legitimate Freedoms and the Protection of Citizenship Rights underscores the obligation of all judicial actors to prevent abuse and preserve the dignity of suspects. This legal emphasis parallels American standards, where due process is enshrined as a constitutional right. Despite differing legal structures, both systems recognize that procedural fairness and respect for individual liberties are not only ethical imperatives but also foundational to judicial legitimacy. While Iran relies on a Sharia-informed perspective and America on a secular constitutional one, both systems aim to uphold justice through balanced enforcement mechanisms. These shared goals underscore the universal importance of due process, even amidst contrasting legal and cultural traditions.

In conclusion, the comparative analysis of the legal treatment of flagrant offenses in Iranian and American jurisprudence reveals both convergence and divergence in legal philosophy, procedural safeguards, and operational scope. While both systems acknowledge the necessity of rapid response to obvious criminal conduct, their methods of implementation differ in accordance with their unique legal cultures and institutional

priorities. Iranian law emphasizes the authority and responsibility of judicial officers to act swiftly in the name of public order, while also embedding recent reforms to protect civil liberties. The American approach, grounded in constitutionalism, allows similar actions under strict conditions designed to minimize state overreach. The interplay between enforcement efficiency and rights protection is a recurring theme across both systems. This study demonstrates that a nuanced understanding of comparative legal frameworks can contribute to the refinement of domestic laws, encouraging a synthesis of effectiveness and accountability in criminal justice administration.

References

- Ashworth, A. (2015). *Principles of Criminal Law*. Oxford University Press.
- Del Carmen, P. (2006). *Criminal Procedure: Law and Practice*. Wadsworth.
- Dressler, J. (2018). *Understanding Criminal Law*. Carolina Academic Press.
- Gaston, S., Lavoisier, G., & Bolk, B. (1998). *Criminal Procedure* (Vol. 2). Allameh Tabatabai University.
- Goldoust Joibari, R. (2009). *General Principles of Criminal Procedure*. Jangal Publishing.
- Kadish, S. H., & Lippman, M. (2017). *Criminal Law and Its Processes: Cases and Materials Criminal Procedure*. Wolters Kluwer SAGE Publications.
- Khaleghi, A. (2014). *Key Points in the Criminal Procedure Code*. Shahr-e Danesh Publishing.
- Kian, S. M. (2014). *Developments and New Approaches in the New Criminal Procedure CodeCY - Tehran*. Hezar Rang Publishing.
- Koushki, G., & Soheil Moghadam, S. (2015). Comparison of Search and Inspection Processes in the Criminal Procedure Models of Iran and the United States. *Journal of Criminal Law and Criminology Research*(5).
- Miri, S. R. (2011). *Criminal Procedure (Criminal Prosecution)*. Majd Publishing.
- Nasrin, M. (2007). Punishment and Its Determination in the Criminal Process of England (Focusing on Punishment Functions). *Journal of Legal Research*(45).
- Plain View Doctrine. In.
- Qasemi, A. (2008). *The Rights of the Accused in Iran's Criminal Procedure and the International Covenant on Civil and Political Rights* [Shahid Motahari Higher School]. Tehran.
- Rousseau, J.-J. (2000). *The Social Contract*. Agah Publishing.

- Salimi, S., & Bakhshizadeh Ahari, A. (2014). *Article-by-Article Analysis of the Criminal Procedure Code of 2013*. Javdaneh Publishing.
- Samaha, J. (2020). *Criminal Law*. Cengage Learning.
- Siegel, L. J. (2021). *to Criminal Justice*. Cengage Learning.
- Zara'at, H., Motavali Jafarabadi, A., & Hamidreza, Y. (2012). *The Criminal Procedure Code in the Current Legal Order*. Khat-e Sevom Publishing.
- Zimring, F. E. (2007). *Crime and Punishment in America*. Cambridge University Press.